

از پست و بلند قشقایی

خاطرات مختار خان گرگین پور

به کوشش

کاوه بیات

www.ketab.ir



سرشناسه	: گرگین پور، مختارخان، ۱۲۵۸ - ۱۳۴۳.
عنوان و نام پدیدآور	: از پست و بلند قشقایی / خاطرات مختارخان گرگین پور؛ به کوشش کاوه بیات.
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۹۶ ص. مصور.
فروست	: مجموعه خاطرات و اسناد ملک منصورخان قشقایی؛ ۴.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۳۳-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: گرگین پور، مختارخان، ۱۲۵۸ - ۱۳۴۳. -- خاطرات
موضوع	: قشقایی -- ایران
موضوع	: ایلات و عشایر -- ایران
شناسه افزوده	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳ - ، گردآورنده
رده بندی کنگره	: DSR ۷۲
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۹۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۴۳۷۷۱

تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

naamak.publication@gmail.com



@naamak.publication



naamak.publication



از پست و بلند قشقایی (خاطرات مختارخان گرگین پور)

به کوشش: کاوه بیات

اسکن و ترمیم تصاویر: مصطفی زکریا

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۷۷۰ نسخه

لیتوگرافی: کارا

چاپ و صحافی: تاجیک

ISBN: 978-622-6670-33-3

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۳۳-۳

تمامی حقوق برای نشر نامک محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوتی و

انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

مرکز پخش، پارسه: ۵ ۶۶۴۷۷۴۰ داخلي ۱

فهرست مطالب



مقدمه ۹

فصل اول

خوانین خانه شهری (۱۷ - ۶۲)

- اولاد پدرم (۱۷) ● در حکم برادر (۱۸) ● علاقه پدر به عمران و آبادانی (۱۹) ● مادرم (۱۹)
- اسمعیل خان جوان (۲۰) ● در کتاب عبدالله خان (۲۰) ● مأموریت اسعد السلطنه در سرحد (۲۱)
- آب گرم (۲۳) ● درس و مشق بی خود (۲۴) ● چه بگویم از اسمعیل خان (۲۵) ● جنگ بهادرخان با رستم خان لاری (۱۳۰۶ هـ ق) (۲۵) ● خوشی های شاه کاظم (۲۶) ● احشام خالوها (۲۸) ● سفر بیست و یک روزه (۳۰) ● بارگاه احمدخان شش بلوکی (۳۱) ● از دست رفتن محمدتقی (۱۳۱۱ هـ ق) (۳۲) ● در راه دشتی (۳۳) ● رسیدگی اسمعیل خان (۳۳) ● مراجعت اسعد السلطنه ایلخانی (۳۴)
- عروسی اسفندیاری بیگ (۱۳۱۲ هـ ق) (۳۵) ● غارت طایفه علی بگلو (۱۳۱۲ هـ ق) (۳۶) ● بهادرخان قهر کرد (۳۷) ● سال سختی ها (۳۸) ● اردوی نصرالله خان ایلخانی (۳۹) ● در خدمت امیرعطاخان صولت السلطنه (۳۹) ● حرف حساب ایلخانی (۴۰) ● ترتیب جدید؛ راضی ها و ناراضی ها (۴۱) ● کشته شدن حاتم بیگ کرانی (۱۳۱۳ هـ ق) (۴۳) ● ناراضایی اسمعیل خان از رویه عبدالله خان (۴۵) ● دیدار خواهر عزیزم (۴۶) ● حاجی کل محمد، کدخدای شوراب (۴۸) ● شاه میران و غارت بیضاء (۱۳۱۳ هـ ق) (۴۹) ● اسمعیل خان در سرحد (۵۱) ● خلاف قول نصرالله خان ایلخانی (۱۳۱۳ هـ ق) (۵۲) ● سفر تاقان و لنجان (۵۳) ● فال حافظ (۵۴) ● در استقبال از عبدالله خان و ایالت (۵۴) ● تحریکات احمدخان (۵۵) ● نتیجه تحریکات؛ فرار علی قیالو (۵۵) ● پذیرایی اسفند گلزن (۵۷) ● چه بگویم از محبت کربلایی محمد (۵۷) ● مرحمت بی بی بزرگ (۵۸) ● خداوند نصیب هیچ کس نکند (۵۹) ● ماجرای «اولین» شکار من (۶۰)

فصل دوم

اولاد داراب خان (۶۳ - ۱۸۶)

- ایلخانی گری عبدالله خان ضرغام الدوله (۶۳) ● من شدم سوار (۶۳) ● فوت قزچ مشهدی کیامرث (۶۴)
- اول ایلخانی گری ضرغام الدوله در سنه ۱۳۱۳ (۶۴) ● بردن بهادرخان به شیراز (۶۵) ● کم لطفی

ضرغام‌الدوله (۶۵) • حاجی چراغعلی کلانتر حنا (۶۶) • فوت حاج نصرالله‌خان ایلخانی (۱۳۱۴ هـ ق)
 (۶۷) • همه از سواد من مأیوس شده‌اند (۶۸) • عروسی احمدخان سردار احتشام (۶۸) • خدا یا، ما حالا
 چه کنیم؟ (۷۰) • زن پدر (۷۱) • اسب جایگزین (۷۱) • بالا گرفتن اختلافات (۱۳۱۵ هـ ق) (۷۲) •
 روزی پدرم (۷۳) • حکم فرمانفرما (۷۴) • دسته دزدان (۷۶) • مخالفت با ضرغام‌الدوله (۷۷) •
 غیرت‌کشی دره‌شوری (۷۷) • حمایت ایالت از ضرغام‌الدوله (۷۸) • تاخت و تاز مشهدی جهانگیر (۷۸)
 • مهربانی الله‌قلی‌خان (۸۱) • در بُرد خان (۸۱) • محذورات عبدالله‌بیگ فارسیمدان (۸۲) • هر کدام
 از یک طرف (۸۲) • دیدار اسمعیل‌خان در شیراز (۸۴) • به غارت رفتن زندگانی دارغاها (۸۶) •
 طلعت‌بی‌بی (۸۶) • همراهی خلیفه در آب‌گرم (۸۶) • فوت شاه‌پسند (۱۳۱۶ هـ ق) (۸۷) • بچه‌های
 بی‌سرپرست خواهرم (۸۸) • مرحمت پناه، عبدالله‌خان ضرغام‌الدوله (۸۸) • بهادرخان احتیاط می‌کند
 (۸۹) • پدرم قهر کرد (۹۰) • ایالت نظام‌الملک نوری (رمضان ۱۳۱۶ هـ ق) (۹۰) • پدر پیر در گرمسیر
 ماند (۹۱) • ایلخانی‌گری اسمعیل‌خان (۱۳۱۷ هـ ق) (۹۲) • در شیراز، خدمت اسمعیل‌خان (۹۳) •
 اولین مأموریت و اولین خدمتانه (۹۴) • از تصدق سرطلعت‌بی‌بی (۹۶) • احتشام آروجلو (۹۷) • شدم
 سوار (۹۹) • عروسی ایازیگ (۱۰۰) • اخبار پدرم (۱۳۱۷ هـ ق) (۱۰۰) • اسمعیل‌خان شد
 صولت‌الدوله (۱۰۲) • شکار اول (۱۰۵) • فضولی اهل فیروزآباد (۱۰۵) • احتشام رقیب (۱۰۶) •
 غنیمت از قوجه‌بگلو (۱۰۷) • استقبال از والی جدید، مؤیدالدوله (ذیقعدة ۱۳۱۷ هـ ق) (۱۰۸) • اظهار
 مرحمت والی (۱۰۸) • تغیر خاتم ایالت (۱۰۸) • امر به اصلاح (۱۰۹) • نافرمانی کلانتران (۱۰۹) • در
 تدارک ازدواج خان (۱۱۱) • بچه باید صاحب داشته باشد (۱۱۲) • شکار در خدمت خان (۱۱۳) •
 عروسی خان و یادی از روزگار رفته (۱۱۳) • قضیه زن گرفتن من (۱۱۴) • مأموریت جدید (۱۱۴) •
 در احتشام صولت‌الدوله (۱۱۵) • ضرغام‌الدوله در رکاب والی جدید (۱۱۶) • برآمدن جلوداریبیگ
 (۱۱۶) • دستگاه سلطنتی شعاع‌السلطنه (ذیحجة ۱۳۱۸ هـ ق) (۱۱۸) • حکومت بهبهان به جای
 ایلخانیگری (۱۳۱۹ هـ ق) (۱۱۹) • نظم کهگیلویه (۱۱۹) • عزاداری برای بهادرخان (۱۲۱) • شجاعت
 کریم‌خان (۱۲۱) • گرمای چرام (۱۲۲) • تنبیه خضربیگ (۱۲۳) • در باغ حکومتی بهبهان (۱۲۳) •
 راهنمایی کاظم‌کیخا (۱۲۳) • سرآغاز تحریکات محمدکریم‌خان (۱۲۴) • دوهزار گوسفند از احتشام
 بهلولی (۱۲۶) • در بی‌وفایی ثروت (۱۲۶) • مرحمت صولت‌الدوله (۱۳۲۰ هـ ق) (۱۲۷) • مخاطرات
 راه ممسنی (۱۲۷) • استقبال از والی جدید آصف‌الدوله (صفر ۱۳۲۰ هـ ق) (۱۲۸) • واگذاری ایل به
 ضرغام‌الدوله (۱۲۹) • اعاده ایلخانی‌گری به صولت‌الدوله (۱۳۰) • اول مأموریت من (۱۳۲۱ هـ ق)
 (۱۳۰) • غارت احتشام شیخ محمدرضا (۱۳۴) • پامال شدن بخشی از اموال غارتی (۱۳۵) • ورق
 برگشت (۱۳۶) • احکام علاءالدوله (۱۳۲۲ هـ ق) (۱۳۹) • مسافرت اول خودم طرف شش‌بلوکی (۱۴۰)
 • حل و فصل موضوع گوسفند (۱۴۱) • دیدار سر راه (۱۴۲) • احتشام مشهدی قریب (۱۴۲) •
 مهمان‌پرستی ابوالحسن‌بیگ (۱۴۳) • نگران اعمال پاشا (۱۴۴) • مأموریت صمصام‌السلطان (۱۴۷) •
 رهایی صولت‌الدوله (۱۴۸) • سفر دشتک (۱۴۹) • فرمایشات علاءالدوله (۱۵۰) • اصلاح
 ضرغام‌الدوله و صولت‌الدوله (۱۵۳) • لجبازی بادلایل بهمن‌بیگ (۱۵۴) • داغون شدن احتشام
 ابراهیم‌خان (۱۵۵) • دعوای حاجی‌خان‌بیگ در مه‌ای (۱۵۶) • مرگ اسفندیار (۱۵۶) • ماجرای
 صمصام‌السلطان (۱۵۷) • ایل‌بیگی صولت‌الدوله (۱۵۸) • ایالت شعاع‌السلطنه [صفر ۱۳۲۲ هـ ق]
 (۱۵۸) • دودستگی در قشقای (۱۵۹) • سهمانی محمدحسین‌خان کرائی (۱۶۰) • عروسی
 حسینقلی‌خان شش‌بلوکی (۱۶۰) • اجازه حرکت به گرمسیر (۱۶۱) • گرفتار مال‌های مسروقه (۱۶۲)

زحمت به ملاشکرالله (۱۶۳) • صولت الدوله شد مالک کارزین (۱۳۲۲ هـ ق) (۱۶۴) • برای نابودی صمصام السلطان (۱۶۶) • دلجویی از احمدخان شش‌بلوکی (۱۶۶) • از تصدق سرمشهدی بختیار (۱۶۸) • حاصل چاه‌طلا (۱۶۹) • خوشی و ناخوشی روزگار (۱۳۲۳ هـ ق) (۱۶۹) • دستبرد به خانه حاجی‌ایاز (۱۷۰) • جنگ و جدل دارغاها (۱۷۰) • تفرقه دره‌شوری (۱۷۴) • رشادت کاظم‌کیخا (۱۷۵) • فراشباشی جدید (۱۷۶) • مأموریت حنا (۱۷۶) • سفر بختیاری (۱۷۷) • در فکر خرید شاکانک (۱۷۸) • مجازات کوهی‌ها (۱۷۹) • در خانه احمدخان (۱۷۹) • دستگیری عالی‌چنگی (۱۸۱) • مخالفان و موافقان شعاع السلطنه (۱۸۲) • حکایت کیخایان ایگدر (۱۸۴) • کشته شدن ابراهیم‌خان (۱۸۵) • من هم عیالوار شدم (۱۸۶)

فصل سوم

دوره سردار عشایر (۱۸۷ - ۲۸۰)

ایالت صاحب اختیار غفاری (ذیحجه ۱۳۲۳ هـ ق) (۱۸۷) • فوت ضرغام الدوله (۱۸۷) • بهمن‌بیگ هم از دست رفت (۱۸۸) • ایالت علاءالدوله (جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ ق) (۱۸۸) • فاتحه‌خوانی خوانین بختیاری (۱۸۹) • تحریکات علاءالدوله (۱۹۰) • اغتشاش شش‌بلوکی (۱۹۰) • نگرانی از آینده (۱۹۲) • ایالت مؤیدالدوله (ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ ق) (۱۹۳) • پدرسوختگی دارغا (۱۹۴) • مشروطه و ضد‌مشروطه (۱۹۵) • اردوی حضرات (۱۹۶) • دیدار تصادفی با ضیغم الدوله (۱۹۷) • قافله خداداد (۱۹۸) • تشویش خوانین نافرمان (۱۹۹) • ایالت حبیب‌قلی خان نظام السلطنه (ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هـ ق) (۱۹۹) • شکست مخالفین (۲۰۰) • رواج بازار تفنگ آلمانی (۲۰۱) • غارت حضرات علی‌بیگلو (۲۰۲) • خداوند الیاس را به من داد (۱۳۲۶ هـ ق) (۲۰۲) • تعقیب بدرغام علی‌بیگلو (۲۰۳) • ایالت ظل‌السلطان (ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ هـ ق) (۲۰۴) • کار حاجی‌ایاز (۲۰۵) • تسلیم شدن آقاکیخا (۲۰۵) • مأمور نمدی شدم (۲۰۷) • آصف الدوله، والی بدقدم (شعبان ۱۳۲۶ هـ ق) (۲۰۸) • ضیغم الدوله در شش‌بلوکی (۲۰۸) • میل طایفه به اصلاح (۲۰۹) • چه بر سر اولاد یاری میرزا آمد (۲۱۰) • تمشیت شش‌بلوکی (۲۱۱) • مرحمت سردار (۲۱۲) • شش‌بلوکی به حکم من شد (۱۳۲۶ هـ ق) (۲۱۴) • بدسلوکی خان میرزا بیگ صفی‌خانی (۲۱۵) • عروسی ارغوان‌خان (۱۳۲۷ هـ ق) (۲۱۷) • مهمانی باصری‌ها (۲۱۹) • گرفتار دام احمدخان (۲۱۹) • حکم حضرت اشرف (۲۲۱) • ماجرای زالی‌بیگ (۲۲۱) • احمدخان و شرایط کلانتران (۲۲۲) • مهمان ملا آرزومند (۲۲۲) • عرایض مربوط به شش‌بلوکی (۲۲۴) • دست احمدخان کوتاه شد (۲۲۵) • مأموریت آباءه (۲۲۶) • تغییر و تبدیل در کورشولی (۲۲۷) • مالیات اقلید (۲۲۸) • بدرقه آصف الدوله (۲۲۹) • همراهان عرب و باصری (۲۳۱) • خدمت بی‌ثمر در آباءه و بلوکات (۲۳۲) • تمام کار شش‌بلوکی با من است (۲۳۳) • ضدیت سهام الدوله (رجب ۱۳۲۷ هـ ق) (۲۳۳) • پیشامد فراش‌بند (۲۳۴) • بی‌اعتنایی کربلایی احمد و حاجی‌بابر (۲۳۵) • استقبال از ظفر السلطنه (جمادی‌الاول ۱۳۲۸ هـ ق) (۲۳۶) • خرید ملک (۲۳۸) • تفتین بختیاری (۲۳۸) • قشون شش‌بلوکی (۲۳۹) • تردید بختیاری (۲۴۰) • ابوالقاسم‌خان در حمایت از قشقایی (۲۴۰) • خداوند دختری عطا فرمود (۲۴۱) • خرابی بیضاء (۲۴۱) • خبر ایالت رضاقلی‌خان نظام السلطنه (صفر ۱۳۲۹ هـ ق) (۲۴۲) • تحریکات داخل (۲۴۳) • ایل‌بگی‌گری صولت السلطنه (۲۴۳) • غلیظ شدن ماده فساد (۲۴۴) • مذاکره در باب وضعیت احمدخان (۲۴۵) • خیالات صولت السلطنه (۲۴۵) • حاجی همراه (۲۴۶) • بنای فساد کلانتران (۲۴۸)

- اردویی که جنگ نکرد (۲۴۹) • خیالات ایللیگی (۲۴۹) • خوشوقتی حضرت سردار (۲۵۰)
- عروسی باباپیر (۲۵۱) • جلوگیری از غارت (۲۵۲) • حرکت دادن احشام صولت السلطنه (۲۵۳)
- گردآوری قوا جهت مقابله (۲۵۵) • قاطرهای حاجی عمادالملک (۲۵۶) • بی میلی سردار به جنگ
- اردوی دروغ‌گویان (۲۵۶) • رؤیای صادقه (۲۵۷) • جنگ مغلوبه شد (۲۵۷) • رسیدن اخبار
- نگرانی‌های حمزه‌خان (۲۶۰) • گله‌گذاری جوادخان (۲۶۱) • ورود ناصرخان (۲۶۲)
- رسیدن خبر از جانب سردار (۲۶۳) • دستگیری یکی از «شیر»های ضیفم‌الدوله (۲۶۴) • اوقات تلخی
- جلوداریبگ (۲۶۴) • بدسلوکی صولت السلطنه (۲۶۵) • مقابله بامسیح‌خان و کیخایان دره‌شوری (۲۶۵)
- دودستگی نوکریاب (۲۶۶) • محبت سهراب‌خان (۲۶۹) • باز هم بنای اغتشاش (۲۷۱) • هرچه
- بگویم همان است (۲۷۲) • تسویه مسئله ژاندارمری (۲۷۲) • برای مراجعت تفرقه نوکریاب (۲۷۳)
- برای انتظام ایل (۱۳۳۰ هـ.ق) (۲۷۴) • حبس احمدخان شش‌بلوکی (۲۷۴) • تحریکات قوام (۲۷۹)
- رفع نگرانی از پنجعلی (۲۷۹)

فصل چهارم

کشمکش‌های بی‌پایان (۲۸۱ - ۳۹۰)

- وساطت مخبرالسلطنه (۱۳۳۱ هـ.ق) (۲۸۱) • داغ فرزند (۲۸۱) • چنددستگی (۲۸۲) • چون‌گردکان بر
- گنبد است (۲۸۴) • دیدار قوام‌الملک (۲۸۵) • شکار زدن هنر نیست (۲۸۷) • خرید ملک
- (۱۳۳۲ هـ.ق) (۲۸۸) • امورات شش‌بلوکی (۲۸۹) • باز ایازکیخا را خیال غلبه کرد (۲۹۰) • گذشت
- مشهدی فغان (۲۹۲) • خواستگاری برای علی‌خان مالار (۲۹۳) • موضوع کلاتتری دره‌شوری (۲۹۳)
- به‌هم‌ریختگی دره‌شوری (۲۹۴) • شیطنت جوادخان (۲۹۴) • همراهی حاجی‌بابر (۲۹۶) • حرکت ایل
- برای فیروزآباد (۲۹۷) • در تدارک زمستان (۲۹۷) • کارگذاران جلیل (۲۹۸) • سوار قوام‌دفتر (۳۰۰)
- راهنمایی حاج عمادالملک (۳۰۱) • مردانگی حاجی‌مستشیر (۳۰۱) • سپردن امورات پشت‌بند به
- شیخ رسول (۳۰۲) • آقایان خوانین و مشایخ گرمسیرات (۳۰۳) • اصلاح کار مجدالعلما (۳۰۳) • میل
- حضرت اشرف (۳۰۴) • به سنگ خوردن تیر حاجی محمدکریم‌خان (۳۰۶) • خان‌میرزابیگ کلاتر
- صفی‌خانی (۳۰۷) • ترس حضرات دره‌شوری (۳۰۸) • عازم شش‌بلوکی (۳۰۸) • خجالت از روی
- کیان (۳۰۹) • استقبال شش‌بلوکی (۳۱۱) • دوست عزیز من ملاخداداد (۳۱۳) • درکله‌لو (۳۱۳)
- علی‌قیالو (۳۱۴) • در راه شاکانک (۳۱۴) • اتحاد دره‌شوری‌ها (۱۳۳۴ هـ.ق) (۳۱۶) • دسته‌بندی‌های
- داخلی (۳۱۶) • تدابیری برای فارسیمدان (۳۱۷) • تنمۀ مالیات شش‌بلوکی (۳۱۹) • باز هم کار
- فارسیمدان (۳۱۹) • سرکشی دره‌شوری (۳۲۰) • همکاری کشکولی (۳۲۱) • مخارج اردوکنشی (۳۲۱)
- همبستگی شش‌بلوکی (۳۲۲) • زد و خورد در اسپر (۳۲۲) • دیدار و وساطت خوانین بویراحمد
- (۳۲۳) • پایان اردوکنشی (۳۲۳) • دلتنگی از محمدعلی‌خان کشکولی (۳۲۴) • پیچیدگی کار فارسیمدان
- (۳۲۵) • اخم و تخم ژاندارمری (۳۲۵) • حبس مسیح‌خان (۳۲۶) • رسیدگی به کارشش‌بلوکی (۳۲۷)
- مرگ حمزه‌بیگ، میرشمشیر من (۳۲۸) • پناهندگی اهل بیت قوام‌الملک (۳۲۹) • اُشتُم یاور
- علی‌قلی‌خان (۳۳۰) • دلداری به ابراهیم‌خان قوام (۳۳۱) • پذیرایی رئیس‌کریم (۳۳۲) • مؤاخذه
- سردار عشایر (۳۳۲) • کتمان نامه سردار (۳۳۲) • رویارویی دو اردو (۳۳۴) • شرایط سران عرب
- خمه (۳۳۴) • اظهار مرحمت ابراهیم‌خان قوام (۳۳۵) • فروپاشی اردوی ژاندارم (۳۳۵) • مراجعت

حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک (۳۳۶) • برای مذاکره با بهارلو (۳۳۷) • سواران بهارلو (۳۳۸) • از نگاه
امیرآقاخان بهارلو (۳۳۹) • نگرانی‌های نصرالدوله (۳۴۰) • ورود حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک (۳۴۱) •
احکام قوام‌الملک برای سرکوه، داراب و فسا (۳۴۱) • اولاد یا درد بی‌درمان (۳۴۲) • سال نعمت و
فراوانی (۳۴۴) • دست‌بخت حیدرقلی‌خان (۳۴۴) • فیروزآباد (۳۴۶) • پایان کار ژاندارمری (۳۴۶) •
میرزا ابراهیم‌خان شد قوام‌الملک (۳۴۶) • به مقصد شیراز (۳۴۷) • عدم اطمینان به قوام‌الملک جدید
(۳۴۷) • تشدید مخالفت‌های داخلی (۳۴۸) • سنگربندی محمدعلی‌خان (۳۴۹) • اتمام حجت به
قوام‌الملک (۳۴۹) • در منزل صولت‌السلطنه (۳۵۱) • نگرانی سردار از توطئه اغیار (۳۵۲) • نگویش
دوستان دره‌شوری (۳۵۳) • اردوی بختیاری در امام‌قیس (۳۵۴) • مخالفت با مرتضی‌قلی‌خان (۳۵۶) •
شرایط صلح و آشتی (۳۵۶) • فرمانفرما، والی جدید (ذیقعد ۱۳۳۴ هـ) (۳۵۷) • اگر زحمت کشیدیم،
از هر جا هم فتح شد (۳۵۸) • اهداف فرمانفرما (۳۵۸) • جواب کردن فرمانفرما (۳۶۰) • گرفتار
کارهای احمدخان (۳۶۱) • برگشتن رأی قوام‌الملک (۳۶۲) • برای نگهداری وطن (۳۶۵) • تدبیر
کشکولی (۳۶۶) • فوت حسن‌خان کشکولی (۳۶۸) • کلانتران جدید کشکولی (۳۷۰) • مرحمت
همایونی (۳۷۱) • دعوی رمضان‌خان و معین‌دفتر (۳۷۲) • اسباب چینی انگلیس و همدستانان (۳۷۳) •
محبوسین قلعهٔ پرگان (۳۷۳) • ملازمت اجباری مسیح‌خان (۳۷۵) • روزگار مشهدی معصوم (۳۷۶) •
خیلی احتیاط داریم (۳۷۷) • فرار سیدن زن و بچهٔ مسیح‌خان (۳۷۸) • زد و خورد کشکولی‌ها و
کازرونی‌ها (۳۷۸) • دیدار انگلیسی‌ها (رمضان ۱۳۳۵ هـ) (۳۷۸) • غارت احتشام میچک (۳۷۹) • در
تدارک پیشامدهای بعدی (۳۸۰) • حبس امام‌قلی‌خان رستم و بهادرخان بکش (۳۸۰) • ثبوت مهمان
شدن فرمانفرما (۳۸۳) • بی‌محل به علی‌محمدخان و یاغی شدن او (۱۳۳۶ هـ) (۳۸۴) • محاصرهٔ قلعهٔ
میرعباس (۳۸۴) • حکایت مشهدی عسکرخان (۳۸۵) • جنگ غلبه کرد (۳۸۶) • اردو در ممسنی
(۳۸۷) • فوت جلوداریبک (۳۸۷) • کلانتری ابوالفتح‌خان (۳۸۸)

فصل پنجم

جنگ و نیستی (۳۹۱ - ۴۴۸)

خوف از انگلیس (۳۹۱) • غیرت برای کی؟ (رمضان ۱۳۳۶ هـ) (۳۹۳) • جنگ آق‌چشمه (۳۹۴) •
تلفات ما (۳۹۴) • امیدواری به شکست دشمن (۳۹۵) • عمروعاص و دیگر اشیاء (۳۹۶) • ترس از
خودی (۳۹۷) • عقب‌نشینی (۳۹۷) • حاج عباسعلی‌خان کشکولی (۳۹۸) • جنگ مغلوبه (۳۹۸) •
سقوط فیروزآباد (۳۹۹) • باز ایل به هم خورد (۴۰۰) • مختار، کجای روی؟ (۴۰۱) • غارت مکو
(۴۰۲) • اردوی انگلیس (۴۰۳) • ماجرای حمزه‌بیگ (۴۰۴) • خبر آوردن غلامرضا مکویی (۴۰۴) •
جنگ بیشه زرد (۴۰۵) • نااهلی جماعت جم و ریز (۴۰۶) • فرج بعد از شدت (۴۰۷) • رؤسای
دشتی (۴۰۷) • برای فیروزآباد (۴۰۸) • فراشند (۴۰۸) • پیروزی در جنگ، شکست در برابر
آنفلانزا (۴۱۰) • حملهٔ مجدد اردوی انگلیس (محرم ۱۳۳۷ هـ) (۴۱۱) • از سرحد تا گرمسیر تمام
مُرد (۴۱۱) • پیشنهاد مذاکره (۴۱۳) • فکر و تزویر حاج عباسعلی‌خان (۴۱۴) • غصهٔ مال رانمی‌خورم
(۴۱۶) • پیشنهاد بالیوز انگلیس (جمادی‌الاول ۱۳۳۷ هـ) (۴۱۷) • دلگیری بستگان (۴۱۷) • باید
طهران بروم (۴۱۸) • دوری از شیراز (۴۱۸) • شرایط فرمانفرما (۴۱۹) • باز شدن راه خوانین (۴۲۰) •
مرحمت بی‌جا به حیدرقلی‌خان (۴۲۰) • مأموریت جدید (۴۲۱) • دستورات حضرت والا (۴۲۳)

کلانتران دزکرد (۴۲۴) • خنده نصرالله خان (۴۲۴) • هشدار حاجی خان (۴۲۵) • در بارگاه سردار
احتشام (۴۲۶) • آدم فرمانفرما آدم نبود (۴۲۶) • مخالفت آقاییان (۴۲۷) • در خیال مملکت بود که
سوار رسید (۴۲۷) • کم لطفی حضرت والا (۴۲۸) • زراعت گرمسیر (۴۳۰) • آن زمستان به آسایش
گذشت (۱۳۳۸ هـ ق) (۴۳۰) • عزل فرمانفرما و آشوب بیشتر (۴۳۱) • نگرانی از تحرکات قوام (۴۳۱)
• مهمانی باغ دلگشا (۴۳۳) • در حضور ایالت (۴۳۳) • می خواهند اصلاح بدهند (۴۳۴) • پشت به
شهر (۴۳۴) • دیگر نوبت من است (۴۳۵) • حساب کشی از احمدخان (۴۳۵) • سرکشی به دیگر
طوایف (۴۳۶) • حبس جناب حاجی (۴۳۷) • امان از قوم و خویش (۴۳۸) • دلتنگی جوادخان (۴۴۰)
گرمسیرات (۴۴۰) • ترمزد زائر علی (۴۴۰) • تولد خسروخان (۴۴۱) • مسیح خان آمد (۱۳۳۹ هـ ق)
(۴۴۲) • عروسی منصورخان فارسیمدان (۴۴۳) • حیدرخان نابکار (۴۴۵) • خدمت به صولت السلطنه
(۴۴۵) • زالی بیگک بیچاره (۴۴۶) • برای توازن میان طوایف (۴۴۷) • کنایه جوادخان (۴۴۷)
نگرانی بی جهت سردار (۴۴۸)

آلبوم تصاویر.....	۴۴۹
نمایه اشخاص.....	۴۶۳
نمایه اماکن.....	۴۸۱
نمایه ایلات و طوایف.....	۴۹۱



بخش عمده‌ای از داده‌ها و دانسته‌های ما دربارهٔ نقش ایلات و عشایر در تاریخ معاصر ایران یا لاقلاً آن بخش از دورهٔ مزبور که ایلات و عشایر هنوز نقش مهمی در آن داشتند، داده‌ها و دانسته‌هایی از تحولات جاری در سطوح عالی ایلی و عشایری است؛ انبوهی از گزارش‌های رسمی چون مکاتبات متبادله میان مقامات حکومتی با یکدیگر دربارهٔ ایلات یا مکاتبات آن‌ها با رؤسای ایلات و عشایر مورد بحث، و به همین ترتیب گزارش‌هایی که مقامات خارجی دربارهٔ این ایلات و عشایر تدوین کرده یا مکاتباتی که با رؤسای این ایلات یا با مقامات ایرانی داشته‌اند، همگی ناظر بر تحولات جاری در سطوح عالی پیش‌گفته هستند.

اسناد و گزارش‌های برجای‌مانده از تحرکات ایل قشقایی در تاریخ معاصر ایران در آرشیوهای داخلی و خارجی که فقط بخش محدودی از آن‌ها منتشر شده‌اند و مابقی منتظر توجه جدی پژوهشگران می‌باشند، از مصادیق بارز این مقوله می‌باشند. پاره‌ای از دیگر مآخذ منتشر شده در این زمینه مانند خاطرات ملک منصورخان قشقایی، یا خاطرات میرزا نصرالله‌خان قهرمانی، معین دفتر تحت عنوان تاریخ ایل قشقایی که در همین مجموعه منتشر شده‌اند نیز اگرچه در زمرهٔ اسناد رسمی فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرند، اما از منظری بدین موضوع نگریسته‌اند که آن‌ها را نیز می‌توان به نوعی گزارشی از «سطوح عالی» ایلی ارزیابی کرد.

یکی از ویژگی‌های اصلی خاطرات مختارخان گرگین‌پور که در این مجموعه ارائه می‌شود، جایگاه متفاوت آن است؛ گزارشی از یک منظر متفاوت، یکی دو پله پایین‌تر از آن «سطح عالی». اگرچه به آنچه که پاره‌ای از پژوهشگران علاقمند به مطالعات

«فروستان» در جستجویی بی نتیجه به دنبال آتند، نزدیک نمی شود، اما لااقل از منظر یک سطح میانی سلسله مراتب ایلی آن دوره، تصویر درخور توجهی به دست می دهد. مختارخان گرگین پور (۱۲۵۸-۱۳۴۳ ش) یکی از نزدیکان خاص اسمعیل خان سردار عشایر، صولت الدوله بود. این دوستی و نزدیکی چند دلیل داشت؛ دلیل اول قرابت رضاعی آن دو بود؛ مادر مختارخان، اسمعیل خان را نیز شیر داد و بر همین اساس نوعی دوستی و رفاقت از همان مراحل نخست تا به انتهای کار صولت الدوله در اواسط دوره رضاشاه. اگرچه تأکید بر یک چنین پیوندی از لحاظ توضیح دوستی و نزدیکی تا به آخر آن دو، می تواند دلیل مهمی تلقی گردد اما به تنهایی کفایت نمی کند؛ توانایی و قابلیت مختارخان در تقبل پاره‌ای از مسئولیت‌های محول شده به او نیز نقش تعیین کننده‌ای در این خصوص داشت؛ نفوذ و اقتدار ایلی صولت الدوله که به هیچ وجه نفوذ و اقتدار خُرد و ناچیزی نبود، تا حد زیادی مدیون توفیق وی در گردآوری مجموعه‌ای از کارگزاران قابل و توانا بود که مختارخان یکی از نمونه‌های مهم این مقوله بود.

پاره‌ای از این کارگزاران، به نمایندگی از ایلخانی، رسیدگی به امور ایلات و طوایف تابعه را بر عهده داشتند و مختارخان نیز که خود از لحاظ تبار خانوادگی مانند تعدادی از دیگر کارگزاران صولت الدوله به طایفه شش‌بلوکی نسب می برد، برای سال‌های متمادی مأمور شش‌بلوکی بود. در میان ایلات و طوایفی که مجموعه ایلی قشقایی را تشکیل می دادند، شش‌بلوکی با حدود تقریبی چهار الی پنج هزار خانوار، پرجمعیت‌ترین ایل قشقایی را تشکیل می داد و پیوند سببی احمدخان، رئیس شش‌بلوکی، با احمدخان سردار احتشام برادر ناتنی صولت الدوله و یکی از رقبای پابرجای وی بر سر ایلخانی‌گری، اداره امور شش‌بلوکی را دشوار می کرد؛ کارگزار ایلخانی در ایل شش‌بلوکی می‌بایست در عین حفظ انتظام و دریافت به موقع مالیات ایلی، از طریق قدرت بخشیدن به کلاتران، اقتدار احمدخان را نیز محدود نگه دارد، کاری که به نظر می آید مختارخان به خوبی از عهده آن برمی آمد.

یادداشت‌های مختارخان گرگین پور از دوران کودکی او، از سال‌های اول قرن ۱۳۰۰ هجری قمری، واپسین سال‌های پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، و همچنین واپسین روزهای حکمرانی نسلی از ایلخانان قشقایی چون اسعدالسلطنه و نصرالله خان ایلخانی آغاز می شود که بنا به مجموعه‌ای از دلایل از جمله آلودگی به خوی و خصلت

شهری و گسسته شدن پیوندهای ایلی، خصوصیات لازم را برای حکمروایی بر قشقایی از دست داده بودند و از این رو به گونه‌ای که در بخش اول این کتاب می‌خوانیم، عرصه بر حضور و ابراز وجود شاخه‌ای دیگر از خاندن جانی خانی، خاندن حاکم قشقایی باز شد که در نهایت به فرادستی اولاد داراب‌خان منجر گردید؛ نخستین آن‌ها عبدالله‌خان ضرغام‌الدوله پسر بزرگ داراب‌خان بود که از ۱۳۱۳ ه. ق ایلخانی قشقایی شد؛ او نیز مانند اسلافش علاوه بر سر و کله زدن با مجموعه‌ای از شاهزاده‌های قاجار که به تناوب به ایالت فارس منصوب می‌شدند و هریک انتظاراتی داشتند، می‌بایست برادران خود را نیز که هریک از آن‌ها و مخصوصاً هواداران‌شان انتظاراتی داشتند، راضی نگه دارد. روایت صریح مختارخان از این «انتظارات» که به نظر می‌آید بستر اصلی و همچنین خمیرمایه رقابت‌های سیاسی و خاندانی را در قشقایی (و احتمالاً پاره‌ای از دیگر مجموعه‌های بزرگ ایلی) تشکیل می‌داد، روایت مهمی است.

در یک مرحله بعدی نیز اسمعیل‌خان سردار عشایر بر اساس بهره‌برداری از همین عوامل موفق شد موجبات برکناری برادرش عبدالله‌خان ضرغام‌الدوله را از ریاست ایل فراهم کند و از این مرحله - از فصل سوم کتاب - به بعد است که بخش اصلی خاطرات مختارخان نیز آغاز می‌شود.

نظر به تحولات پرتب‌وتاب زمانه چون انقلاب مشروطه و دوام و قوام نیافتن آن که خود را به صورت انبوهی از تعارضات داخلی و مداخلات خارجی نشان می‌داد، ایلخانی‌گری صولت نیز با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو گردید. جدای از رفت‌وآمد والی‌های منصوب مرکز و رویکردهای متفاوت آن‌ها، صولت‌الدوله هم با یک رقابت دیرینه از جانب قوامی‌های شیراز روبه‌رو بود و هم تحریکات گروهی از خوانین بختیاری که اینک تهرانمدار هم شده بودند؛ عواملی از این دست در دامن زدن به رشته تعارض‌هایی که در حوزه رقابت‌های خاندانی جریان داشت مانند تحریک برادران تنی و ناتنی صولت‌الدوله برضد او یا تمایل پاره‌ای از سران طوایف تابعه به خودمختاری بیشتر، از جمله در میان بخش‌هایی از کشکولی و تا حدودی نیز دره‌شوری، بی‌تأثیر نبود و بخش مهمی از خاطرات مختارخان به توصیف جوانبی از این تحرکات اختصاص دارد. مختارخان گرگین‌پور در خاطرات خود به پاره‌ای از کلیات حاکم بر تحولات این دوره مانند تحولات جاری در سطوح عالی سیاسی مانند آنچه در حوزه رویکرد دولت مرکزی یا مقامات بریتانیا نسبت به تحولات فارس و قشقایی در جریان بود نمی‌پردازد؛

اشکالی هم ندارد زیرا موضوعی است که در بسیاری از مآخذ پیش گفته تا حدود زیادی بدان پرداخته شده است و امر ناشناخته‌ای نیست. اما در عوض - همان‌گونه که اشاره شد - از بازتاب این تحولات بر مناسبات درونی ایل یا به عبارت دقیق‌تر چگونگی واکنش سطوح میانی ایلی نسبت به این تحولات، گزارشی به دست می‌دهد که در نوع خود بدیع و کم‌نظیر است.

سازوکار حکومتی ایل، مخصوصاً کارکرد هسته اصلی آن که از دیرباز - کم‌وبیش از دوره چیرگی خاندان‌های ایلی ترک زبان بر ایران از حدود هزار سال پیش - به نام «نوکر باب» شناخته می‌شدند، از مهم‌ترین مضامینی است که از خلال بررسی خاطرات مختارخان به دست می‌آید. در این خاطرات جوانی چند از چگونگی کارکرد این مجموعه که اصولاً یک تشکیلات اداری بود و متفاوت از خدم و حشم متعارف ایلمخانی و مخصوصاً رقابت‌های درونی این مجموعه که گاه به مشکلی جدی بدل می‌شد، موضوع بحث است.

یک توصیف واقعی از زندگانی ایلی و آسیب‌پذیری آن در برابر قهر طبیعت - خشکسالی، شیوع بیماری‌های دامی و انسانی - یا قهر روزگار - درگیری‌های مستمر داخلی و خارجی - نیز از دیگر ویژگی‌های این خاطرات است.

مختارخان، همان‌گونه که ملاحظه شد بیشتر صاحب سبب بود تا قلم؛ امکان تحصیل و آموزش را نیز داشت اما خود طبعاً حال و هوایی دیگر در سر داشت. می‌نویسد با آن که «... اسمعیل خان میل دارد من باسواد باشم، مادرم التماس می‌کند، معلم هست، بچه باید باسواد باشد، ابد آخرج من نمی‌رود. تمام عشق دارم هر کس شکار برود همراه او باشم. چند سال دست معلم دادند، چاره نشد، تمام هوش و گوش من تفنگ و شکار بود.» (ص ۲۴) که با توجه به مقتضیات زندگی ایلی در آن مقطع و تجاربی که در پیش رو داشت، تمایل بی‌جا و تناسبی هم نبود.

اگرچه آن زندگانی سراسر جنگ و جدل - به گونه‌ای که در این خاطرات نیز می‌خوانیم - اقتضایی جز این نداشت، اما در مراحل بعد که نوع زندگانی تغییر می‌کند، و برای مثال نیاز به ثبت خاطرات حس می‌شود، به نظر می‌رسد مختارخان از این که در آن دوره تمام هوش و گوش وی به تفنگ و شکار معطوف ماند، خیلی راضی نیست، که با توجه به خط و ربط نه‌چندان مطلوب این یادداشت‌ها و نارسایی‌هایی که در قسمت‌هایی دارد، این نیز ملاحظه نابجایی به نظر نمی‌رسد.

البته برای آن‌هایی که به زبان ترکی قشقایی آشنایی دارند، چه بسا پاره‌ای از این موارد چندان هم نارسا نباشد، چرا که برخی نیز حاصل به ترکی فکر کردن و به فارسی نوشتن ترکان پارسی‌گوی و بخشندگان عمرند که آن نیز لطف خودش را دارد. مهم آن است که مختارخان همت کرد و این یادداشت‌ها را نوشت و بر جای گذاشت و مابقی نیز ملاحظات پراکنده که خاطر نشان گشت.

این یادداشت‌ها در شش دفترچه به قطع 17×32 سانتیمتر، هر دفتر ۳۲ ورق نوشته شده‌اند. در کنار دشواری خواندن پاره‌ای از کلمات دستخط، فرسودگی حواشی متن در نقاطی چند، نیز بر این دشواری‌ها افزود. در تعدادی از اوراق یکی از این دفاتر - دفتر چهارم - به دلیل رطوبت دیدگی، موارد ناخوانا کم نبود که هریک در جای خود مشخص شده‌اند.

عنوان کتاب، فصل‌بندی و عناوین هر فصل و همچنین عناوین فرعی متن، افزوده نگارنده است.

در بازنویسی و آماده‌سازی یادداشت‌ها برای انتشار، جدای از تصحیح اغلاط املائی، حتی‌الامکان مختصر ویرایشی نیز صورت گرفت؛ در مواردی چند، بخش‌هایی که به نظر مهم می‌رسید و احتمال داشت هر نوع حدس و گمانی برای ویرایش و اصلاح متن، محتوای بحث را دگرگون سازد نیز ترجیح داده شد تفسیری صورت نگیرد، آنچه نیز مبهم به نظر می‌رسد به حال خود بماند. به هر حال با توجه به تصاویری که از متن اصلی یادداشت‌ها پیوست شده است، می‌توان از نوع ویرایش صورت گرفته، شمه‌ای به دست آورد.

حصول اطمینان از ضبط صحیح پاره‌ای از اسامی، مخصوصاً اسامی جای‌ها و مکان‌ها، یکی از دشواری‌های اساسی آماده‌سازی این متن بود؛ دانش جغرافیایی مکتوب ما بیشتر بر اساس دانسته‌های ما از جوامع یکجانشین استوار است و بسیاری از دقائق مربوط به یوردهای زمستانی و تابستانی یا ایل‌راه‌ها ثبت نشده باقی مانده‌اند؛ در این جا لازم می‌داند از سعی و پیگیری دوستان گرامی آقایان منصور نصیری طیبی و بابک زیلاب‌پور در تدقیق پاره‌ای از این موارد تشکر کرده و امیدوار باشم مابقی این موارد - در کنار دیگر اشکالات کار - به لطف مطلعین محلی تصحیح و در چاپ‌های بعدی کتاب لحاظ گردد.

از لحاظ شناسایی تاریخ حوادث و رخدادهایی که در این خاطرات بدان‌ها اشاره

می‌شود، علاوه بر سال‌هایی که خود مختارخان به تفاریق و در اشاره به مناسباتی چند ارائه می‌کند، تاریخ انتصاب یا برکناری والیان فارس که پاره‌ای از آن‌ها از دیگر مآخذ استخراج و در این متن لحاظ شدند نیز به کار می‌آیند؛ کل این سنوات در فهرست مطالب، در آغاز کتاب، منعکس شده‌اند؛ توجه به حضور ایل در سرحد (بیلاق) و گرمسیر (قشلاق) نیز از لحاظ تدقیق تقریبی این تاریخ‌ها به کار می‌آیند.

به گونه‌ای که از فحوای کلام و اشارات گاه به گاه مختارخان به پاره‌ای از وقایع مقارن با زمان ثبت این یادداشت‌ها برمی‌آید، وی در سال‌های تبعید در تهران، از اوایل دهه ۱۳۱۰ شمسی شروع به نوشتن این خاطرات کرد^۱ و این امر تا سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ ادامه یافت.^۲ البته خود خاطرات چند صباحی بعد از جنگ اول، مقارن با کناره‌گیری عبدالحسین میرزا فرمانفرما از ایالت فارس، پایان می‌گیرد و نمی‌دانیم آیا مختارخان به ثبت شرح حال خود در سال‌های بعد نیز موفق شد یا خیر؛ دوره‌ای که در اثر تبعات حاصل از جنگ و بیماری، از تاب و توان ایل قشقایی و به تبع آن اقتدار شخصی صولت‌الدوله، نشان جلدانی بر جای نمانده بود و چیرگی نظام برآمده از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بر کل فارس و به ویژه بر ایلات و عشایر آن - لااقل در مراحل نخست - با موانع چندانی روبه‌رو نشد، هرچند در مراحل بعد به دلیل تحمیل یک حکومت فاسد و ظالم نظامی بر ایلات، در حالی که صولت‌الدوله و فرزندانش چند سال بود در تهران حبس و تحت نظر بودند، فارس دستخوش یک شورش اساسی شد و به دنبال اسکات این شورش دور جدیدی از سیاست‌های سرکوبگرانه آغاز شد که طرح اسکان اجباری و بدون مطالعه ایلات کوچرو، آن‌هم با یک ظلم و بی‌رحمی خارق‌العاده دیگر یکی از ویژگی‌های اصلی آن بود.

در این مرحله، یعنی دوره بعد از اسکات شورش ۱۳۰۸ فارس و در تدارک مرحله بعدی سرکوب‌ها بود که تعدادی از نزدیکان و کارگزاران اصلی صولت‌الدوله - از جمله مختارخان که خود در شورش ۱۳۰۸ نقش داشت - همراه با خانواده‌اش به تهران تبعید شدند و در همین دوره بود که خاطرات پیش رو ثبت شد.

تأثیر بسیاری از خصوصیات منفی این دوره سخت و سیاه تبعید را، آن‌هم بدون هیچ

۲. بنگرید به ۴۴۲.

۱. بنگرید به ص ۱۶۹ و ۲۶۸ کتاب.

چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در پیش رو در بخش‌هایی از خاطرات مختارخان می‌توان دید. در کنار یک نگاه حسرت‌بار به گذشته و زندگانی ایللی به رغم تمامی سختی‌ها و مشقات آن، تلخی‌ها و تندی‌های گاه به گاه در قضاوت و داوری پیرامون عملکرد برخی از چهره‌های بزرگ و کوچک این دوره را نیز می‌توان در یک چنین چارچوبی ارزیابی کرد.

در کنار حافظه شگفت‌انگیز و جزئی‌نگر مختارخان، صراحت او در بیان مراتب نیز استثنایی است؛ در عین حال که از ثبت و بازگویی مقاطعی نه‌چندان درخشان از زندگی خود، مانند تسلیم شدن به وسوسه دزدی، مختصر بدجنسی‌ای در حق این و آن ابا ندارد - همان‌گونه که اشاره شد - در ابراز رأی و داوری درباره دیگران نیز بی‌پرواست؛ داوری‌هایی که می‌تواند چندان هم منصفانه نباشد.^۱ اگرچه در حین تدوین و آماه‌سازی این خاطرات برای انتشار، در مواردی لازم دیده شد از نقل کلمات و تعبیراتی چند صرف‌نظر شود و به خواننده نشدن آن موارد نیز اشاره شد، اما در نهایت تصورم بر آن است که این صراحت و تندی نهفته در آن را که شاید در جای‌هایی نیز دور از انصاف و یکسونگر باشند باید به دیده اغماض نگریست، چرا که از زندگی ایللی و واقعیت‌های نه‌چندان مطلوب آن تصویری به دست می‌دهد که معمولاً بنا بر تعارف و تکلف مرسوم و متعارف در دیگر نوشته‌ها، نادیده انگاشته می‌شوند.

مختارخان در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ که با فروپاشی حکومت رضاشاه، خوانین قشقایی بار دیگر برای اعاده قدرت ایللی پا به میدان گذاشتند، در کنار اولاد صولت‌الدوله بود هرچند در این مرحله، به دلیل کهولت، بار اصلی این مهم بر عهده فرزندان او الیاس‌خان، غلامحسین‌خان و حبیب‌الله‌خان قرار داشت، که در این راه چه در سال‌های بین شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایستادند.

۱. مانند داوری‌هایش درباره احمدخان شش‌بلوکی که به رغم تلاش‌های مستمر صولت‌الدوله و نماینده‌اش در شش‌بلوکی (مختارخان) برای به حاشیه راندن او، آنقدر حمایت ایللی داشت که دوام آورد؛ یا حمزه‌خان کشکولی که در بسیاری از سختی‌ها، از جمله در جنگ با انگلیس در کنار صولت‌الدوله بود و همچنین پرویزخان باصری که در پاره‌ای از دیگر منابع آن دوره از او به عنوان یکی از قابل‌ترین چهره‌های ایلل خمسه یاد شده است.

در پایان لازم می‌دانم از لطف دوست گرامی میلاد گرگین پور، فرزند شادروان غلامحسین خان گرگین پور تشکر کنم که دستنوشته این خاطرات مهم و روشنگر را برای انتشار به من سپردند.

کاوه بیات